

ربیع الاول در بین شیعیان به ماه شادی و سُرور معروف است. میلاد پیامبر اکرم(ص)، امام صادق(ع) و آغاز امامت حضرت مهدی(عج) در این ماه واقع شده‌اند.

میرزا جواد آقا ملکی تبریزی در کتاب المراقبات می‌نویسد: " این ماه همان‌گونه که از اسم آن پیداست بهار ماه‌ها است، به‌جهت اینکه آثار رحمت خداوند در آن هویداست.

در این ماه، ذخایر برکات خداوند و نورهای زیبایی او بر زمین فرود آمده است. زیرا میلاد رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم در این ماه است و می‌توان ادعا کرد از اول آفرینش زمین، رحمتی مانند آن بر زمین فرود نیامده است زیرا برتری این رحمت بر سایر رحمت‌های الهی مانند برتری رسول خدا بر سایر مخلوقات است ".

اعمال و وقایع رخ داده در ماه ربیع‌الاول به عنوان سومین ماه قمری؛

شب اول:

این شب به نام «لَیْلَةُ الْمَبِیت» مزین است، در این شب یک حادثه مهم تاریخی واقع شد و آن این که در سال سیزدهم بعثت، رسول خدا (صلی الله علیه و آله) از مکه به قصد هجرت به سوی مدینه، از شهر خارج شد و در «غار ثور» پنهان شد و امیر مومنان علی(علیه السلام) برای اغفال دشمنان، فداکارانه در بستر رسول خدا(صلی الله علیه و آله) خوابید.

آیه شریفه «وَمِنَ النَّاسِ مَنْ يَشْرِي نَفْسَهُ ابْتِغَاءَ مَرْضَاتِ اللَّهِ وَاللَّهُ رَءُوفٌ بِالْعِبَادِ» بعضی از مردم (با ایمان و فداکار) جان خود را در برابر خشنودی خدا می‌فروشند و خداوند نسبت به بندگان مهربان است» (1) در حق آن حضرت نازل شد. (2)

سال هجرت رسول خدا(صلی الله علیه و آله) مبدأ تاریخ مسلمانان است و تحوّل عظیمی در جهان اسلام روی داد.

۱- روزه گرفتن به شکرانه سلامتی پیامبر اعظم و امیرمومنان از گزند کفار و مشرکان در اول ربیع‌الاول.

۲- خواندن زیارت پیامبر (صلی الله علیه و آله) و علی (علیه السلام) در این روز.

روزه، که برای آن فضیلت بسیار نقل شده است، از جمله در روایاتی از ائمه معصومین(علیهم السلام) آمده است: کسی که روز هفده ربیع را روزه بدارد، خداوند برای او ثواب روزه یکسال را مقرر می‌فرماید.

روز هشتم:

در روز هشتم ربیع الاول، سال ۲۰۶، شهادت امام حسن عسکری(علیه السلام) طبق روایتی واقع شده است و از همان روز، امامت حضرت صاحب الزمان، حجة بن الحسن - عجل الله تعالی فرجه الشریف - آغاز شد(3).

در این روز شایسته است زیارت امام حسن عسکری علیه السلام خوانده شود.

و البته بسیاری معتقدند روز نهم ربیع، آغاز امامت آقا امام زمان (عج) است بین روز هشتم و نهم ربیع بین محدثان اختلاف است. ما قول مشهور را آورده‌ایم، و اینگونه نیست که فردای روز شهادت امام یازدهم آغاز امامت امام دوازدهم باشد بلکه توأم با شهادت یک امام آغاز امامت امام بعدی است چرا که امامت ایشان از قبل مشخص بوده است.

روز دهم:

روز ازدواج رسول خدا(صلی الله علیه وآله) با حضرت خدیجه کبری(علیها السلام) است(4).

روز دوازدهم:

این روز مطابق نظر مرحوم شیخ کلینی و مسعودی و همچنین مشهور میان اهل سنت، روز ولادت با سعادت نبی مکرم اسلام(صلی الله علیه وآله) است(5).

همچنین در این روز، رسول خدا(صلی الله علیه وآله) بعد از ۱۲ روز که مسیر راه میان مکه و مدینه را پیمود وارد مدینه شدند. (6) و نیز روز انقراض دولت بنی مروان در سال ۱۳۲ است.(7)

روز چهاردهم:

در سال ۶۴ در چنین روزی، یزید بن معاویه به هلاکت رسید.(8)

وی پس از سه سال و نه ماه خلافت که همراه با جنایات عظیمی بود که مهمترین آن واقعه کربلا و شهادت ابی عبدالله الحسین(علیه السلام) و یارانش است در سن سی و هفت سالگی در منطقه «حوران» زندگی ننگینش به پایان رسید جنازه‌اش را در دمشق دفن کردند ولی اکنون اثری از او نیست.(9)

شب هفدهم:

طبق روایات مشهور شیعه، شب ولادت حضرت خاتم الانبیا، رسول معظم اسلام(صلی الله علیه وآله) است و شب بسیار مبارکی است.(10)

۱ (غسل به نیت روز هفدهم ربیع الاول. (فلاح السائل، صفحه ۶۱)

۲ (روزه: که برای آن فضیلت بسیار نقل شده است، از جمله در روایاتی از ائمه معصومین(علیهم السلام) آمده است: کسی که روز هفده ربیع را روزه بدارد، خداوند برای او ثواب روزه یکسال را مقرر می‌فرماید. (اقبال، صفحه ۶۰۳)

۳ (دادن صدقه، احسان نمودن و خوشحال کردن مومنان و به زیارت مشاهد مشرفه رفتن.

۴ (زیارت رسول خدا(صلی الله علیه وآله) از دور و نزدیک در روایتی از آن حضرت آمده است: هر کس بعد از وفات من، قبرم را زیارت کند مانند کسی است که به هنگام حیاتم به سوی من هجرت کرده باشد، اگر نمی‌توانید مرا از نزدیک زیارت کنید، از همان راه دور به سوی من سلام بفرستید (که به من می‌رسد).

۵ (زیارت امیر مومنان علی(علیه السلام) نیز در این روز مستحب است با همان زیارتی که امام صادق(علیه السلام) در چنین روزی کنار ضریح شریف آن حضرت(علیه السلام) وی را زیارت کرد. (این زیارت در بخش زیارات، مفاتیح آمده است.)

۶ (تکریم، تعظیم و بزرگداشت این روز بسیار بجاست، مرحوم «سید بن طاووس»، در اقبال، در تکریم و تعظیم این روز به خاطر ولادت شخص اول عالم امکان و سرور همه ممکنات حضرت نبی اکرم (صلی الله علیه وآله) سفارش بسیار کرده است. همچنین یکسال قبل از هجرت رسول خدا (صلی الله علیه وآله)، در چنین شبی معراج آن حضرت صورت گرفت.

روز هفدهم:

همان گونه که گفتیم مشهور میان علمای امامیه آن است که روز هفدهم ربیع الاول، روز ولادت با سعادت رسول خدا حضرت محمد بن عبدالله (ص) است و معروف آن است که ولادتش در مکه معظمه، واقع شده است و زمان ولادتش هنگام طلوع فجر، روز جمعه، سنه عام الفیل بوده است) ۱۱۰)

همچنین در چنین روزی در سال ۸۳ هجری قمری، ولادت امام صادق (علیه السلام) واقع شده است و از این جهت نیز بر اهمیت این روز افزوده شده است) ۱۲۰)

جواد نوائیان رودسری: سالروز شهادت امام حسن عسکری (ع) و آغاز امامت امام عصر (عج)؛ روزی که در عین پرمحنت و غم افزا بودن، برای مؤمنان نویدبخش آغازی دوباره و امید به آینده است. آینده‌ای که با مفهوم انتظار درآمیخته است و با ظهور منجی، به دوران طلایی خود می‌رسد. این روز را باید در تاریخ اسلام، یک نقطه عطف بدانیم؛ شروع دورانی جدید که در آن شیعه، از وجود مقدس امام (عج)، همچون ماهی که پشت ابر پنهان است، بهره می‌برد و می‌کوشد تا با فراهم آوردن مقدمات ظهور، شاهد آن روز بزرگ و رخداد عظیم باشد. فرا رسیدن چنین روزی، فرصتی استثنایی است برای بازخوانی تاریخ؛ تاریخی که نشان می‌دهد ورود به عصر غیبت چگونه رقم خورد؟ امامان پیشین و به خصوص امام حسن عسکری (ع) چه نقشی در طی شدن این فرایند داشتند و پس از آن امامان مقدس و نورانی، علمای شیعه چگونه به پاسداری از مفاهیم عالی عصر غیبت پرداختند؟ برای به دست آوردن شناختی بهتر از این رویدادها، با دکتر مهدی مجتهدی، پژوهشگر تاریخ اسلام و عضو هیئت علمی دانشگاه فردوسی گفت و گو کردیم؛ آن چه در پی می‌آید، مشروح این مصاحبه است.

در دوران سه امام بعد از ثامن الحجج (ع)، شاهد سخت‌گیری‌های روزافزون و بیش از گذشته دستگاه خلافت عباسی، نسبت به ائمه شیعه (ع) هستیم. آیا این سخت‌گیری، ارتباطی با شناخت خلفای عباسی از بشارت ولادت امام زمان (عج) داشت؟ آیا اعمال محدودیت شدید برای امام حسن عسکری (ع) و در نهایت شهید کردن آن حضرت در ۲۸ سالگی، بخشی از پروژه خلفای عباسی برای جلوگیری از تحقق آن بشارت بود؟
واقعۀ شهادت امام حسن عسکری (ع) را باید نقطه عطفی در تاریخ اسلام بدانیم؛ می‌گوییم نقطه عطف، از این نظر که بر اساس روایتی متواتر و نقل شده از رسول خدا (ص)، در سلسله ۱۲ امام بعد از آن حضرت، پس از شهادت امام یازدهم (ع)، نوبت به دوران امامت آخرین امام (عج) می‌رسد که دوران خاصی است. این روایت که در اغلب کتاب‌های حدیثی شیعه و اهل سنت وجود دارد، فوق‌العاده مشهور و شناخته شده است؛ منتها تنها شیعیان هستند که می‌توانند از ۱۲ امام، به صورت مستند و مشخص یاد کنند. طبق همین منابع روایی، دوازدهمین امام، مهدی موعود و منجی عالم بشریت است که جهان را پر از عدل و داد خواهد کرد. این موضوع، یعنی قیام یکی از فرزندان رسول خدا (ص) نیز، فارغ از جزئیات آن که در متون شیعه کامل و دقیق آمده، در بسیاری از منابع حدیثی ذکر شده و مورد قبول و تأیید قاطبه مسلمانان است. بنابراین، ما با دو گزارش روایی بسیار مهم روبه‌رو هستیم؛ اول سلسله امامان (ع) که ۱۲ نفر بعد از رسول خدا (ص) هستند و دوم، قیام پیروزمندانه امام دوازدهم (عج). جریان خلافت عباسی، به عنوان بخشی از خاندان بنی‌هاشم که پیش از به دست گرفتن قدرت، این روایات را شنیده و از جزئیات آن آگاه بود، درباره اتفاقی که قرار بود بعد از شهادت امام حسن عسکری (ع) بیفتد، نگرانی‌های عمیقی داشت. عباسیان مصداق این بیت بودند

که «چو دزدی با چراغ آید / گزیده‌تر برد کالا»؛ آن‌ها از جزئیات روایات خبر داشتند و برای جلوگیری از افول قدرتشان، دست به کار شدند. به همین دلیل بر ائمه(ع) به شدت سخت گرفتند. باید توجه داشت که ظلم عباسیان به خاندان پیامبر(ص)، اگر بیشتر از ستم امویان نبود، کمتر هم نبود. این‌ها که خودشان را خویشاوندان رسول خدا(ص) می‌دانستند، بسیاری از سادات را به شهادت رساندند و به حذف فیزیکی امامان(ع) رو آوردند؛ چنین رویه‌ای را از زمان امام صادق تا دوران امام حسن عسکری علیهم‌السلام شاهد هستیم. عباسیان، به ویژه به بحث امام دوازدهم(عج) که طبق روایت رسول خدا(ص)، بساط ظلم و بیداد را جمع می‌کرد، بسیار حساس بودند و دغدغه ظهور آن حضرت، همیشه برای آن‌ها وجود داشت و به شهادت رساندن امام حسن عسکری(ع) اقدامی برای رفع همین دغدغه بود.

آیا ورود به عصر غیبت، ناگهانی اتفاق افتاد یا برای آن برنامه ریزی شده بود؟

ببینید ما در دوران امامت سه امام پیش از امام زمان(عج)، شاهد یک دوره «شبه غیبت» هستیم. دسترسی به امام(عج) به شدت محدود شده بود و این مسئله، باعث شد که شیعیان، بعد از هشتم ربیع‌الاول سال ۲۶۰ و ورود به دوران غیبت صغری، خیلی درگیر این مفهوم نباشند، هر چند سوالاتی مطرح بود که باید پاسخ داده می‌شد و این، با توجه به ارتباط امام(عج)، از طریق نواب خاص با مردم، مشکل چندانی ایجاد نمی‌کرد. دوران ۶۹ ساله غیبت صغری، با چنین وضعیتی سپری و در سال ۳۲۹ق، با رحلت آخرین نایب امام زمان(عج)، دوران غیبت کبری آغاز شد که ما همچنان در این دوره قرار داریم و حدود هزار و ۱۸۴ سال از آغاز امامت آن حضرت می‌گذرد.

طبعاً با ورود به غیبت کبری، نیاز به آثاری که بتوانند پاسخگوی پرسش‌های متعدد شیعیان درباره موضوع غیبت باشند، حس می‌شد. علمای شیعه به فراخور توانایی خود در این زمینه کارهایی انجام دادند؛ به اعتقاد شما، در میان آثار تألیف شده در اوایل دوره غیبت کبری، کدام یک از جامعیت بیشتری برخوردار است؟

در بین آثاری که در این باره نوشته شده است، کتاب «کَمَالُ الدِّينِ وَ تَمَامُ النِّعْمَةِ»، تألیف شیخ صدوق در اوایل دوران غیبت کبری، اهمیت خاصی دارد. در این دوره، دسترسی به امام(عج)، از طریق نواب خاص ممکن نبود. شیخ صدوق هم در تاریخ شیعه، شخصیت برجسته و ویژه‌ای است؛ پدرش از شیعیان برجسته بود و چون صاحب فرزند نمی‌شد، در نامه‌ای به امام زمان(عج)، از طریق نایب خاص، تقاضا کرد که آن حضرت برای فرزنددار شدن وی دعا کند و پروردگار به برکت آن دعا، دو فرزند به علی بن حسین عنایت کرد که یکی از آن‌ها، شیخ صدوق بود. پدر شیخ صدوق، خودش از مؤلفان خوب شیعه است و کتاب «الإمامة والتبصرة من الحيرة» را به رشته تحریر درآورده. شیخ صدوق در سفری برای زیارت مرقد مطهر حضرت ثامن‌الحجج(ع)، هنگامی که به نیشابور رسید، با انبوه سوالات شیعیان درباره مسئله غیبت روبه‌رو شد؛ این بود که بعد از بازگشت از سفر زیارتی، تصمیم گرفت کتابی در این زمینه تألیف کند؛ اما نمی‌دانست که این اثر را باید چگونه آغاز کند و به اتمام برساند؟ چنان که شیخ در ابتدای کتاب «کَمَالُ الدِّينِ وَ تَمَامُ النِّعْمَةِ» آورده‌است، چگونگی ساختار و شکل نگارش کتاب را در رؤیایی که به محضر امام عصر(عج) شرفیاب شده بود، از آن حضرت آموخت و هنگامی که از خواب بیدار شد، به عبادت پرداخت و روز بعد، نگارش کتاب را آغاز کرد. او این کتاب را با بررسی غیبت در دوران انبیای الهی آغاز کرده است و موضوع آن را، به عنوان آزمونی از آزمون‌های الهی به مخاطبان ارائه می‌کند. نکته جالبی که به غیر از متن آموزنده و عالی کتاب، باعث جلب نظر مخاطب می‌شود، عنوان آن است. شیخ صدوق این عنوان را از آیه سوم سوره مبارکه مائده گرفته که می‌فرماید: «الْيَوْمَ أَكْمَلْتُ لَكُمْ دِينَكُمْ وَأَتِمَمْتُ عَلَيْكُمْ نِعْمَتِي وَرَضِيتُ لَكُمُ الْإِسْلَامَ دِينًا». شأن نزول این آیه، واقعه غدیرخم است و انتخاب عنوان کتاب از سوی شیخ صدوق، این نکته را به ذهن متبادر می‌کند که روز هشتم ماه ربیع‌الاول، در کنار ماتم و عزای شهادت امام حسن عسکری(ع)، پیامی نویدبخش برای مؤمنان دارد که غدیری دیگر برای بیعت دوباره با امام زمان(عج) فرا رسیده است.

پی نوشت‌ها:

۱. سوره بقره، آیه ۲۰۷.
۲. اقبال الاعمال، صفحه ۵۹۲ و تفسیر نمونه، جلد ۲، صفحه ۷۸.
۳. کافی، جلد ۱، صفحه ۵۰۳.
۴. اقبال، صفحه ۵۹۹.
۵. زاد المعاد، صفحه ۴۱۲.
۶. اقبال، صفحه ۵۹۹ و کامل ابن اثیر، جلد ۲، صفحه ۷ (حوادث سال اول هجرت).
۷. مصباح المتهجد، صفحه ۷۹۱.
۸. اقبال، صفحه ۶۰۱ (سید بن طاووس، در همین کتاب از شیخ مفید، استحباب روزه در این روز را به خاطر هلاکت یزید نقل کرده است).
۹. تتمه المنتهی، صفحه ۶۴.
۱۰. مصباح المتهجد، صفحه ۷۹۱ و اقبال، صفحه ۶۰۳.
۱۱. مصباح المتهجد، صفحه ۷۹۱ و اقبال، صفحه ۶۰۳.
۱۲. بحارالانوار، جلد ۴۷، صفحه ۱، حدیث ۲.